



حکومت ساسانیان

ساختار ارتش ساسانی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۳۰ اسفند ۱۳۹۱ · ۱۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ساختار ارتش ساسانی راجع به ارتش ایران در عصر ساسانیان اطلاعات بیشتری به ما رسیده و گذشته از نوشته‌های مورخان معروف رومی، مانند پروکپ، آمیین مارسلن و ژوستن و غیره مورخین ارمنی و یهودی و بالاخره تاریخ نویسان دوره‌ی اسلامی هم در این موضوع مطالب سودمندی برای ما به یادگار گذاشته‌اند. از همه بالاتر در شاهنامه فردوسی راجع به جنگها و فتوحات و قلعه‌گیریهای دوران ساسانی اطلاعات به نسبت مفصلی وجود دارد و با بررسی دقیق آن‌ها معلوم می‌شود که مدرک‌های خوبی در اختیار فردوسی بوده است، زیرا اغلب رویدادها و حتی می



ساختار ارتش ساسانی

راجع به ارتش ایران در عصر ساسانیان اطلاعات بیشتری به ما رسیده و گذشته از نوشته‌های مورخان معروف رومی، مانند پروکپ، آمیین مارسلن و ژوستن و غیره مورخین ارمنی و یهودی و بالاخره تاریخ نویسان دوره‌ی اسلامی هم در این موضوع مطالب سودمندی برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

از همه بالاتر در شاهنامه فردوسی راجع به جنگها و فتوحات و قلعه‌گیریهای دوران ساسانی اطلاعات به نسبت مفصلی وجود دارد و با بررسی دقیق آن‌ها معلوم می‌شود که مدرک‌های خوبی در اختیار فردوسی بوده است، زیرا اغلب رویدادها و حتی میدان‌های نبرد و عهدنامه‌هایی که فی مابین بسته شده و همچنین اسامی قلعه‌ها و شرح محاصره و فتح آن‌ها و اسامی سرداران و امپراطوران رومی با تفاوت مختصری از حیث املاء و تلفظ آن‌ها در شاهنامه پیدا می‌شود و شاید این اسامی به همین صورت به فردوسی رسیده یا این که در نسخه‌های متعددی که بعدها از روی نسخه‌ی اصلی شاهنامه نوشته‌اند این انحراف‌های جزوی حاصل شده باشد.

نیاز به تحول

در آغاز این دوره اردشیر پابکان سرسلسله دودمان ساسانی ارتش ایران را از حالت چریکی خارج کرد و به صورت منظم و دائمی درآورد. به گفته مورخان از زمان این پادشاه پادگان‌های ثابتی در ایران به وجود آمد که نگاهداری آن‌ها به خرج دولت و جیره‌ی و مواجب سربازان از خزانه‌ی شاه پرداخت می‌شد. «ارتشتاران» یا نظامیان ایران در این

دوره مقام دوم را بین طبقه‌های چهارگانه‌ی جامعه داشتند و سازمان‌های مربوط به اداره کردن امور ارتش در درجه اول اهمیت شناخته شده است.

اسپورگان

نظر به وسعت مملکت و لزوم داشتن نیروی واکنش سریع برای مقابله با ارتش‌های رومی در طرف مغرب و جلوگیری از تهاجم طایفه‌های وحشی آسیای مرکزی در سمت مشرق در زمان ساسانیان، هم مانند دوره اشکانیان، رسته‌س اصلی ارتش ایران قسمت سواره بود، ولی از لحاظ آموزش‌ها و سازمان و تجهیزات، با سوارهای پارت تفاوت کلی داشته است.

پادشاهان ساسانی به تعلیم و تربیت سواران توجه خاصی داشتند و متخصصانی به نام «اندرزبد اسپوراگان» مأمور پادگان‌های مختلف می‌کردند که فنون سواری و طرز به کلر گیری اسلحه و شیوه‌های رزمی این رسته را به افسران و افراد بیاموزند. در تربیت و نگاهداری و طرز پرورش اسب‌ها هم مراقبت بودند و به بهبود نژاد و تخم آن‌ها توجه مخصوصی می‌شده است. برای معالجه‌ی اسب‌ها بیطاران مجربی بنام «ستور پزشک» وجود داشتند که به همه پادگان‌ها سرکشی می‌نمودند و اسب‌های بیمار را درمان می‌کردند.

در موقع جنگ بر میزان علیق اسب‌ها می‌افزودند تا در اثرسختی‌های جنگ به‌زودی از پا در نیایند. سواره دوره‌ی ساسانی بیش‌تر سنگین اسلحه و استعداد تعرضی آن به‌حدی بوده که اغلب لژیون‌های رومی را به سرعت و به حال سواره مورد حمله قرار می‌دادند. سوار سنگین اسلحه سراپا غرق آهن و پولاد می‌شد و اسلحه‌ی هجومی او عبارت از یک نیزه بلند و محکم و گاهی تیروکمان و اغلب شمشیر و تبرزین بود. اسلحه‌ی دفاعی او عبارت از یک سپر کوچک، زره و کلاه خود که صورت و پشت گردن را حفظ می‌کرد، به علاوه زانوبند و بازوبند آهنین هم داشته است. این سوارها روی اسب خودشان برگستوانی چرمی می‌کشیدند.



آمین مارسلن سوارنظام ایران را در نبرد «مرنگا» که بین ژولین امپراتور روم و شاپور بزرگ ساسانی رخ داده این طور می‌ستاید

« ستون معظمی که به سرکردگی مهران فرمانده کل سواران ایران به طرف ما می‌آمد یکپارچه از آهن و پولاد بود، قطعات آهن که سرپای آن‌ها را می‌پوشانید طوری به هم جفت شده بود که نفرات براحتی می‌توانستند اعضا بدن را به حرکت درآورند. کلاه خود آن‌ها تمام سر و صورت و حتی پشت گردن را حفظ می‌کرد، فقط در مقابل چشم‌ها و دهان شکاف‌های کوچکی وجود داشت که برای دیدن و نفس کشیدن بود. به جز این شکاف‌ها از جای دیگری سلاح دشمن به این رویین‌تنان کارگر نمی‌شد.



ادامه توضیحات و دیگر عکس ها در ادامه مطلب

برای دانلود کتاب بی نظیر ارتش ساسانی به ادامه نوشتار بروید

از سواره سبک اسلحه‌ی دوره پیشین (اشکانی) در این زمان کم‌تر اسم برده می‌شود و از روی روایت‌های تاریخی این طور معلوم است که انجام کار این قسمت سوار در ارتش ساسانی اغلب "به عهده‌ی سوارهای چالاک و سبکبار عرب بوده است (اکتشافات، عملیات تأخیری و ایزایی و غافلگیری). قسمت ممتاز سواره در این دوره همان واحدهای گارد سلطنتی است که بنام «جاویدان» و «جان اسپار» معروف بوده است.

از بین سواران چریکی که سلاطین دست نشانده‌ی ایران برای خدمت دولت سوق می‌دادند دیلمی‌ها، چول‌های گرگان، گیلک‌ها و به خصوصارامنه در رشادت و سوارکاری شهرت بسزایی داشته‌اند.

پایگان

نخبه‌ی پیاده ایران در این دوره عبارت از تیراندازانی است که در فن خود سرآمد آن عصر بشمار می‌آمدند و همواره مایه‌ی هراس و وحشت رومیان بودند. بنا به روایت‌های بیش‌تر مورخان رومی سرعت و مهارت تیراندازان ایران به‌حدی بوده که با هر تیری یک سرباز رومی را از پا در می‌آوردند و کمتر اتفاق می‌افتاد تیرشان به خطا برود. تیراندازان ایرانی در این دوره سپرهای بزرگ و مشبکی داشتند و این سپرها را مانند دیواری در جلو خود قرار داده با کمال مهارت از میان شبکه آن‌ها تیراندازی می‌کردند.

در غالب نبردها دیده می شود که سربازان رشید رومی جرأت مقابله با سربازان ایرانی را داشته اند که مطمئن می شدند که دیگر تیری در ترکش آن ها باقی نمانده است.

عمل تیراندازان در موقع عقب نشینی بیش تر خطرناک می شد و بین رومیان ضرب المثل شده بود که: «از ایرانیان به خصوص در موقع عقب نشینی آن ها باید حذر کرد».

دیگر واحدهای پیاده، به شمشیر و نیزه و بعضی به زوبین مسلح بودند و این ها را پشت سر تیراندازان قرار می دادند.

فیل سواران

رسته ی تازهایی که در زمان ساسانیان به وجود آمد، رسته ی فیل سواران است که در واقع جانشین گردونه های دوره ی هخامنشیان واز اسلاف اراابه های جنگی امروزه محسوب می شوند، به خصوص که مشاهده ی هیمنه ی فیل ها باعث هراس و واهمه ی رومیان می شد. آمیین مارسلن در بند اول کتاب 19 خود آشکارا به این موضوع اشاره می کند: «دیدن فیل های جنگی ایرانیان قلب ها را از کار می انداخت و صدای این حیوان مهیب و بوی او نیز موجب وحشت و رم کردن اسب های ما می شد». تعداد فیل هایی که ارتش ساسانی در نبرد با رومیان به کار می برد، بنا به گفته مورخانی که خود در این نبردها شرکت داشته اند، از دویست تا به هفت صد زنجیر می رسیده است. از قرار معلوم تا اواخر دوره ی ساسانیان نیز از وجود فیل ها استفاده می شده زیرا در نبرد قادسیه وجود فیل ها در اردوی ایران ابتدا باعث هراس و هزیمت اعراب شده است.



در دوره ی ساسانی ارتش ایران به اندازه ای پای بند حضور فیل ها بوده که بعضی اوقات در رزم های کوهستانی هم فیل ها را همراه می بردند و برای این منظور قبل از وقت راه های کوهستانی را هموار می کردند. بنا به روایت های مورخان رومی در موقع محاصره ی شهرها و قلعه های مهم از وجود فیل ها استفاده می کردند.

شغل های لشکری

بزرگ ترین شغل نظامی در دوران ساسانی شغل «اران اسپهبد» است که صاحب این شغل در واقع فرماندهی کل قوا را داشته و از لحاظ سیاست نیز اقدام به مذاکره ی صلح و انعقاد عهدنامه های نظامی به عهده او بوده است. اران

اسپهبد عضو اول شورای سلطنتی بوده و بعد از شاه مقام اول را داشته است.

نکته شایان ذکر این است که چون اغلب سلاطین ساسانی در موقع جنگ خود عهده‌دار فرماندهی می شدند از این رو وظایف این شخص را خودشان به عهده می گرفتند، به طوری که در زمان انوشیروان ضمن اصلاحاتی که در ارتش انجام شد شغل «اران سپهبد» ملغی و تمام کشور به چهار منطقه‌ی نظامی تقسیم و برای فرماندهی قوای مقیم هر منطقه یی یک اسپهبد تعیین گردید.

یکی از امتیازات اسپهبد این بود که در موقع ورود او به اردوگاه به احترام وی طبل و کرنا نواخته می شد. بنا بر گفته بعضی از مورخان پس از شغل «اران سپهبد» فرماندهی کل سواران مقام دوم را در سلسله مراتب داشته است. شغل ریاست کل ذخایر و تسلیحات ارتش به «انبارک بد» محول بود و این شخص در سلسله مراتب مقام سوم را حائز بوده است. شغل «ارک بد» که نظیر فرماندهی دژبان بوده از مشاغل مهم لشکری محسوب می شده و اغلب به افراد خانواده سلطنتی محول می گردیده است.

فرماندهی سوار «اسپورگان سالار» و فرماندهی پیاده «پایگان سالار» و فرماندهی تیراندازان را «تیربد» می گفتند.

ریاست گارد سلطنتی، به عنوان «پشتیکان سالار» نیز از مشاغل مهم نظامی بوده است. مورخین رومی به شغل دیگری در ارتش دوره ساسانی اشاره می کنند که عبارت از «سپاه دادور» است و در واقع نظیر شغل «قاضی عسکر» بوده است.



اسلحه و تجهیزات سپاه ایران در عصر ساسانیان در مخازن مخصوص نگهداری می شده که آنها را به نام «انبارک» و «گنج» می خواندند. مأمورین این مخازن مسئول حسن نگهداری و مرمت آنها بودند و به محض صدور فرمان حرکت یک قسمتی موظف بودند ک اسلحه و تجهیزات ضروری افراد آن قسمت را بدون عیب و نقص تحویل دهند و

بعد از خاتمه عملیات پس بگیرند و در انبار قرار بدهند.

واحدهای ارتش

گرچه راجع به سازمان دقیق و قطعی واحدهای ارتش اطلاعات صحیح و اطمینان بخشی در دست نیست، ولی از خبرها و روایت‌های مورخان این طور برمی‌آید که بزرگ‌ترین واحد ارتش را «گند» و فرماندهی آن را «گند سالار» می‌خواندند و هر گندی مرکب از چند «درفش» و هر درفشی شامل چند «وشت» بوده است. چون هر درفشی دارای پرچم مخصوص به خود بوده شاید نظیر فوج قدیم یا هنگ امروزه محسوب می‌شده است.

درفش کاویانی

صرف نظر از پرچم‌های گوناگونی که در ارتش دوران ساسانی معمول بوده، بزرگ‌ترین پرچم ملی و لشکری ایران در آن دوره درفش کاویانی معروف است که به گفته‌ی تمام مورخان در نزد ایرانیان احترامی به سزا داشته و آن را شعار ملیت و مبشر فتح و ظفر می‌دانستند و روی آن را با دیبا و پرنیان پوشانیده بودند. در نتیجه این تزیین‌ها، عرض و طول پرده این پرچم به قدری زیاد شده بود که در اواخر دوره ساسانیان به 15 پا در 22 پا (5 تا 7 متر) می‌رسیده ریشه‌های پرده آن به رنگ سرخ و زرد و بنفش بوده است. فردوسی در توصیف آن می‌گوید:



چو آن پوست بر نیزه بردید کی به نیکی یکی اختر افکند پی بیاراست آن را به
دیبای روم زگوهر بر و پیکر از زر بوم بزد بر سر خویش چون گرد ماه یکی
زال فرخ بیفکند شاه فروهشت زو سرخ و زرد و بنفش همی خواندینش کاویانی
درفش از آن پس هر آن‌کس که بگرفت گاه بشاهی بسر بر نهادی کلاه بر آن
بی بها چرم آهنگران بر آویختی نو به نو گوهران زدیبا پر مایه و
پرنیان بر آنگونه گشت اختر کاویان

در جنگ‌های بزرگ اغلب دیده می‌شود که درفش کاویانی را با ارتش حرکت می‌داده اند چنانکه فردوسی در «شاهنامه» خود چندین مورد باین نکته اشاره می‌کند.

شاهنشاهان ساسانی این پرچم را به کسی جز فرماندهی کل قوا نمی‌سپردند و پس از خاتمه عملیات و بازگشت قسمت‌ها این پرچم به گنجداران مخصوص که عهده دار حفاظت آن بودند تحویل می‌گردید و در خزانه‌ی سلطنتی نگهداری می‌شد.

شورای نظامی

بر طبق روایت‌های مورخان رومی شاهنشاهان ساسانی برای اعلام جنگ و اقدام به لشکرکشی پیش‌تر شورایی مرکب از فرماندهان و بزرگان کشور تشکیل می‌دادند و لزوم اقدام به جنگ را در آن شورا مطرح می‌کردند و با توجه به وضعیت خودی و دشمن و رعایت صلاح مملکت و مقتضیات وقت تصمیم لازم گرفته می‌شد. جلسه شورا بنا به اهمیت موضوع ممکن بود چند روز به طول انجامد. چنان که در موقع تجاوز ژوستینین امپراتور روم به مرزهای ایران و حمله‌هایی که نسبت به منذرین نعمان، سلطان حیره و تحت الحمایه ایران، شده بود بنا به روایات صریح پروکپ، انوشیروان قبل از اقدام به جنگ امر به تشکیل شورای نظامی داد، چنانکه فردوسی هم به این موضوع اشاره می‌کند:

همه موبدان و ردان را بخواند وزان نامه چندی سخن‌ها براند

سه روز اندر آن بود با رای زن چو با پهلوانان لشکر شکن

چهارم بدان راست شد رای شد که آرد سوی جنگ قیصر سپاه

از این رو به‌خوبی معلوم می‌شود که جلسه‌های شورای نظامی ممکن بود چند روز ادامه داشته باشد.

قلعه داری و قلعه گیری

برخلاف تاکتیک دوره اشکانیان که اغلب به صورت مبارزه از مسافت دور و جنگ و گریز و مانورهای احاطه‌ایی پر وسعتی انجام می‌شد، در دوره ساسانیان بر اثر تجربه‌های طولانی در جنگ‌های ایران و روم حمله از نزدیک و رزم تن به تن و اتخاذ آرایش‌های جنگی منظمی معمول شده بود که بنا به گفته‌ی آمیین مارسلن و پروکپ ایرانیان از این حیث با رومیان برابری می‌کردند و حتی اغلب بر آن‌ها برتری داشتند. از طرف دیگر ارتش ساسانی در قلعه‌داری و قلعه‌گیری و فنون محاصره هم مهارت کاملی پیدا کرده بود.

به طور کلی باید در نظر داشت که در آغاز کار ساسانیان امر مهندسی در ایران رونق زیادی نداشته چنانکه می‌بینیم در موقع اسارت والرین امپراتور روم به دست شاپور اول شاهنشاه ایران از وی تقاضا کرده که جمعی از مهندسين رومی را به ایران جلب کند و آن‌ها را وادار به ساختن سد (شادروان) شوشتر کند. والرین به خواسته شاپور عمل کرد و سد شوشتر و کانال‌های زیر شهر توسط مهندسين رومی ساخته شد و شاید به همین مناسبت بعدها به «بند قیصری» شهرت پیدا کرده است.

اما بعدها دیده می‌شود که برای محاصره دژها و استحکام‌ها رومیان، انواع ادوات و اسباب‌های معمول آن دوره را مانند منجنیق، برجک متحرک، کله قوچ و غیره به کار می‌بردند و برای خالی کردن پی حصارها و زیر برج‌ها چوب

بست می‌زدند. در موقع محاصره قلعه‌های مستحکم رومی که دور آن‌ها خندق‌های عمیقی داشته اغلب از راه حفر دالان‌های زیرزمینی خود را به نزدیکی خندق می‌رسانیدند و آن را پر می‌کردند و همچنین از راه نقب به زیر برج‌های قلعه نفوذ می‌یافتند و برج‌ها را منفجر و خراب می‌کردند؛ گاهی در پیرامون دژها تپه‌های مرتفعی برپا می‌کردند که بر برج و باروی قلعه مشرف می‌شد و از فراز آن مدافعان را تیرباران می‌کردند.

در اغلب وقت‌ها با منجنیق سنگ‌های بزرگی را به داخل قلعه پرتاب می‌کردند یا «قاروره» حاوی مواد سوزان می‌انداختند. ایرانیان در قلعه‌داری ورزیده و ماهر بودند و با ریختن سرب آب کرده و مواد قیراندود از بالای برج‌ها آلات محاصره دشمن را از کار می‌انداختند و کله قوچ‌ها را با کمند گرفته به بالا می‌کشیدند یا از حرکت باز می‌داشتند. درباره‌ی به کارگیری مواد قیراندود و سوزان آمیین مارسلن می‌گوید: ژولین تصمیم گرفت که از «نهر ملک» کشتی‌های خود را از رودخانه فرات به رودخانه دجله بیاورد و قسمتی از پیاده نظام رومی را با کشتی‌ها به ساحل ایران فرستاد که پیاده شده سر پلی تشکیل بدهند. ایرانیان با پرتاب مواد سوزان روی کشتی‌ها آن‌ها را آتش زدند و مانع از پیاده شدن افراد گردیدند. در جای دیگر می‌گوید ایرانیان برای جلوگیری از سوختن کله قوچ‌های خودشان به روی آن روپوش چرمی کشیده بودند.

انضباط

در ارتش دوره ساسانی انضباط خیلی محکمی برقرار بود و برای جرم‌های مهم نظامی: (خیانت به شاه، تمرد از اوامر فرماندهان، سرکشی، فرار) مجازات‌های شدید اعمال می‌شد. یکی از وظایف مهم افسران حفظ اسرار نظامی بوده است چنان که آمیین مارسلن در بند 23 کتاب 31 خود به آن اشاره می‌کند:

« کلیه اطلاعاتی که به‌وسیله دیده‌وران و پناهندگان به اردوی ما می‌رسید مخالف یکدیگر بود، زیرا در ایران از نقشه‌های جنگ و نیت فرماندهی جز افسران ارشد احدی اطلاع پیدا نمی‌کرد و از آن‌ها هم کوچکترین مطلبی نمی‌توانستیم به دست آوریم، برای این که حفظ اسرار نظامی را از فرایض مذهبی خود می‌دانستند و به هیچ قیمتی ابراز نمی‌داشتند».

بازدید و پرداخت مواجب

در موقع پرداخت مواجب هم بایستی لشکریان از سان بگذرند و فقط به کسانی حقوق می‌دادند که در اسلحه و تجهیزات آن‌ها عیب و نقصی دیده نمی‌شد. هیچ کس و هیچ مقامی از این قاعده مستثنی نبود. چنان که بابک موقع پرداخت حقوق افسران به شخص شاه مواجب نداد، برای این که هنگام بازدید معلوم شد انوشیروان دو زه یدکی کمان خود را فراموش کرده است و او مجبور شد به قصر سلطنتی برگشته و دو زه یدکی خود را بردارد و بیاورد و پس از آن حقوق دریافت دارد.

در خورد و خوراک سربازان هم کمال مراقبت می‌شده و غذای زمان جنگ آنان مقوی تر از زمان صلح و مرکب از نان و گوشت و شیر بوده و برای کسانی که از غذای سرباز می‌دزدیدند شدیدترین مجازات را به کار می‌بردند.

به علاوه از انتشار اخبار و پاره‌ایی اظهارات که ممکن بود باعث بدبینی و تولید یأس و تزلزل روحیه سربازان بشود به

شدت جلوگیری می کردند و در موقع جنگ این موضوع از وظایف حتمی فرماندهان بود.

خلاصه در پرتو رشادت و فداکاری و انضباط محکم همین ارتش بود که شاهنشاهان ساسانی توانستند امپراتوران معروف رومی را با قشون‌های معظم آن‌ها شکست بدهند، از جمله: امپراتور والرین در زمان شاپور اول و امپراتور کنستانتین و ژولین در زمان شاپور بزرگ و امپراتور آنتاستاسیوس در زمان قباد و امپراتور ژوستینین در زمان انوشیروان .



.....



برای دانلود کتاب (ارتش ساسانی) بر روی لینک زیر کلیک کند



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ساختار ارتش ساسانی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1067/pdf/ساختار-ارتش-ساسانی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵